



نکاتی درباره بازنگری در سال شماری و توالی سکه‌های

«عصر تاریک» اشکانی

کلتوم غضنفری*

استادیار گروه تاریخ دانشگاه تهران

سروش شریفیان

دانشجوی دکتری تاریخ دانشگاه تهران

(از ص ۱۶۷ تا ۱۸۵)

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۷/۱۸؛ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۱۰/۱

علمی-پژوهشی

چکیده

بازنگری در عرصه سال شماری و تبارشناسی اشکانی، محور اصلی پژوهش‌های فرهاد آثار در سال‌های اخیر بوده است؛ اما سیمونتا مهم‌ترین ایرادات را به طرح پیشنهادی وی وارد کرد، لیکن سیمونتا خود نیز در آخرین دیدگاه‌های خویش، به چندین مؤلفه کلیدی سکه‌شناختی و سال‌شمارانه توجه نکرده است؛ در نتیجه سال شماری پیشنهادی او با توالی تثبیت‌شده از سوی سلوود-مارکهولم در تعارض قرار می‌گیرد. سلوود و مارکهولم پیش‌تر با دقت بسیار، توالی درهم‌ها و چهاردرهمی‌های «عصر تاریک» اشکانی را مشخص کرده‌اند و هرچند طرح پیشنهادی آن دو نیز دچار نواقصی عمدتاً جزئی است، کمترین تباین ممکن را با منابع به‌دست‌آمده از عصر تاریک اشکانی دارد. پژوهش حاضر در پی آن است تا با مقایسه توالی‌های پیشنهادی سیمونتا و فرهاد آثار، به این پرسش پاسخ دهد که با اتکا به مجموعه‌هایی که تاکنون یافت شده‌اند، کدام توالی پیشنهادی صحت دارد و چگونه می‌توان آن را اثبات کرد؟ نتایج پژوهش حاکی از آن است که ناسازگاری چشمگیری در دیدگاه‌های سیمونتا در تعریف سکه‌های «ترکیبی» او وجود دارد. دیدگاه‌های وی در این زمینه با شواهد تاریخی و سکه‌شناختی موجود تعارض دارند. می‌دانیم که قالب‌های معاصر یا تقریباً معاصر، گهگاه و احتمالاً فقط به اشتباه مزدوج می‌شده‌اند و همچنین سکه‌های ترکیبی همواره محصول مزدوج شدن قالب‌های کهنه و نو نیستند. علاوه بر این، سیمونتا شرایط سیاسی در چند ماه آغازین سلطنت ارد یکم را نیز نادیده می‌گیرد. توالی پیشنهادی آثار به پیروی از طرح سلوود-مارکهولم برای سکه‌ها، با شواهد بازمانده از عصر تاریک سازگاری بیشتری دارد. نتیجه‌گیری‌های سیمونتا باید با احتیاط تلقی شوند و کسانی که می‌خواهند از آنها در مطالعات آینده استفاده کنند، لازم است از صحت و اعتبارشان اطمینان یابند.

واژه‌های کلیدی: عصر تاریک اشکانی، منابع سکه‌شناختی، سال شماری، سلوود، فرهاد آثار، سیمونتا.

۱. مقدمه

بازنگری در عرصه تبارشناسی و سال‌شماری اشکانی، محور اصلی پژوهش‌های فرهاد آثار در سال‌های اخیر بوده است. او در مقام مبتکر اصلی روند بازنگری در تبارشناسی و سال‌شماری اشکانی، با مقایسه و جمع‌بندی داده‌های مستخرج از منابع سکه‌شناختی، متون کلاسیک، الواح بابلی و سفال‌نوشته‌های نسا، طرح جدیدی را در این عرصه ارائه داد. وی سه مقاله را به ترتیب در دسامبر ۲۰۰۰ و ژانویه و فوریه ۲۰۰۱ م. در نشریه *سلاتور* (The Celator) منتشر کرد. محتوای این مقالات عمدتاً بر دیدگاه‌های وی در زمینه تجدیدنظر در انتساب سکه‌ها متمرکز بود (Assar, 2000: 6-22; 2001a: 17-27 & 2001b: 17-22; 41). اما همین مقالات، مقدمه بازنگری‌های بعدی شدند. او در مرحله بعدی، طی دو مقاله مفصل که در ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵ م. در *پارتیکا* (Parthica) چاپ شدند، بازنگری‌ها را به مرحله جدیدی وارد کرد (Assar, 2004: 69-93 & 2005: 29-63). این سال‌ها را می‌توان سال‌های سرنوشت‌ساز در روند بازنگری‌های اخیر به‌شمار آورد. وی در نخستین مقاله، به شرح تجدیدنظرها در زمینه تاریخ سلطنت و پیوندهای دودمانی اشکانیان از بدو تأسیس این سلسله تا اوایل سلطنت مهرداد یکم پرداخت و در دومین مقاله، ضمن اصلاح برخی یافته‌های خود که در مقاله نخست منتشر شده بودند، دامنه بازنگری‌ها را به پایان سلطنت مهرداد دوم و زمان برآمدن قدرت سنتروک رساند. واپسین و تأثیرگذارترین مرحله از بازنگری‌ها در زمینه سال‌شماری اشکانی با انتشار دو مقاله از فرهاد آثار در ۲۰۰۶ م. فرارسید: نخستین مقاله، حاوی بازنگری در سال‌شماری اشکانی در دوره ۱۶۵-۹۱ ق.م (از آغاز سلطنت مهرداد یکم تا پایان سلطنت مهرداد دوم طبق برآوردهای جدید) در *الکتروم* ۱۱ و دومین مقاله نیز مشتمل بر بازنگری در سال‌شماری اشکانیان در دوره ۹۱-۵۵ ق.م (معروف به عصر تاریک اشکانی) در *پارتیکای* ۸ (مجلد ویژه بزرگداشت دیوید سلوود-David G. J. Sellwood) انتشار یافت (Assar, 2006a: 87-158 & 2006b: 55-104) که در هردو مورد، همفکری‌های شخص سلوود و پژوهشگران دیگری از قبیل هرمان هونگر (Hermann Hunger)، جوزپه دل مونته (Giuseppe Del Monte)، روبرتوس وان در اسپیک (Robartus Van der Spek) و استفان مول (Stephan Maul) در روند بازنگری‌ها مؤثر واقع شد. مهم‌ترین ایراداتی که به طرح پیشنهادی آثار وارد شد، از سوی آلبرتو م. سیمونتا (Alberto M. Simonetta) بود. وی در مقاله‌ای مفصل در مجلد یادنامه یوزف ولسکی (Józef Władysław Wolski) در *الکتروم* ۱۵ به مشکلات سکه‌شناسی

و سال‌شماری اشکانی در فاصله ۹۱-۵۵ ق.م (معروف به «عصر تاریک» اشکانی) پرداخت و در مقدمه پیشنهاد کرد که شواهد موجود، بدون ارجاع به دیدگاه‌های پیشین، از جمله دیدگاه‌های خودش بررسی شوند و سپس برای رسیدن به نتایجی تلاش شود (Simonetta, 2009: 141-188). در عین حال، از فحوای ایرادهای مطرح‌شده در متن این مقاله، آشکارا چنین برمی‌آید که هدف اصلی سیمونتا، ابطال سال‌شماری مورد نظر فرهاد آثار و بی‌اعتبار دانستن بخشی از انتساب سکه‌های مرتبط با آن بوده که با استنتاجات سیمونتا مغایرت داشته است (مشخصاً تعیین نسبت و توالی S30، S31 و S34 که درباره آن به تفصیل سخن خواهیم گفت). چنان‌که سیمونتا در مقاله‌اش تأیید کرده، فرهاد آثار فرصت مرور دست‌نوشته اولیه او را داشته و چندین مورد ناهمخوانی را مشخص و به وی یادآوری کرده بود؛ اما نوشته بازنگری‌شده سیمونتا همه پیشنهاد‌های فرهاد آثار را لحاظ نکرده بود؛ در نتیجه، به دنبال رایزنی‌های فرهاد آثار با سردبیر نشریه *Electrum*، مقرر شد به منظور فراهم کردن فرصتی برای خوانندگان به جهت بررسی و ارزیابی آخرین پژوهش سیمونتا، آثار نیز جوابیه خود را در قبال راه‌حل‌های پیشنهادی سیمونتا در مقاله‌ای جداگانه مطرح کند (Assar, 2009b: 195). آثار پس از مطالعه نسخه نهایی مقاله سیمونتا، به این نتیجه رسیده بود که سال‌شماری مدنظر سیمونتا برای عصر تاریک اشکانی و نحوه تعیین هویت شاهان و سکه‌های این دوره دشوار توسط او، پذیرفتنی نیست (Ibid: 195-196)؛ بنابراین کوشید تا ثابت کند که سیمونتا صرفاً همان دیدگاه‌های مشکوک و فرضیاتی را که در مقالات پیشین خود درباره سال‌شماری و سکه‌شناسی عصر تاریک اشکانی ارائه کرده بود، تکرار کرده است (Simonetta, 1953-1957: 111-121; Sellwood, 1976: 2-25; Mørkholm, 1980: 33-47). سلوود و مارک هولم (Otto Mørkholm) پیش‌تر این موارد را مورد تردید قرار داده و به‌رغم مخالفت‌های سیمونتا، توالی سکه‌های این دوره را مشخص کرده‌اند. آثار نیز پیش‌تر یک سری تاریخ‌گذاری‌های میخی متأخر و اشارات تاریخی را در حمایت از ترتیب و توالی درهم‌ها و چهاردرهمی‌های عصر تاریک اشکانی که به ترتیب، سلوود و مارک هولم پیشنهاد داده‌اند (Assar, 2006b: 55-96).

با این فرض که می‌توان بر مبنای داده‌های سکه‌شناختی، طرح و قالبی کلی برای تنظیم سال‌شماری عصر تاریک اشکانی پدید آورد، این پرسش اصلی مطرح می‌شود که در زمینه تعیین توالی سکه‌های عصر تاریک، از میان طرح‌های پیشنهادی فرهاد آثار (و

پیش از او، سلوود و مارکهلوم) از سوئی و سیمونتا از سوی دیگر، کدام‌یک با شواهد سکه‌شناختی موجود سازگاری بیشتری دارند؟ آنچه در تنظیم سال‌شماری دوره مزبور اهمیت اساسی دارد، نحوه تعیین توالی S30، S31، S34، S36 و S39 است که خواهیم دید این دو پژوهشگر به طرق متفاوت از یکدیگر، آنها را بررسی کرده‌اند. در این مقاله به ارزیابی تحلیلی‌های این دو و مقایسه تفاوت توالی‌های ارائه‌شده از سوی آنها و نتایج مترتب بر آن در زمینه تعیین سال‌شماری عصر تاریک می‌پردازیم و در موارد مقتضی، افزون بر منابع سکه‌شناختی، از منابع میخی و مکتوب نیز بهره خواهیم برد. تأکید می‌شود که همه موارد ارجاع به سکه‌های اشکانی در این پژوهش، برمبنای طبقه‌بندی سلوود در ۱۹۸۰م. که جنبه استاندارد بین‌المللی یافته، صورت گرفته است. همچنین در مورد برنزه‌های سالانه شوشی، افزون بر طبقه‌بندی سلوود، شناسه‌های عددی تنظیم‌شده توسط لوریده (Le Rider, 1965) نیز ذکر شده‌اند.

۲. تحلیل منابع سکه‌شناختی

چنان‌که در مقدمه بیان شد، باتوجه به اهمیت بسیاری که تجزیه و تحلیل منابع سکه‌شناختی در تعیین ادوار سلطنت فرمانروایان عصر تاریک اشکانی دارند، در بررسی حاضر، صرفاً به بحث توالی سکه‌های عصر تاریک و وجوه اختلاف‌نظر بر سر تنظیم توالی‌ها و نحوه نتیجه‌گیری از آنها می‌پردازیم و در موارد ضروری، از منابع میخی و مکتوب نیز بهره خواهیم گرفت.

در مختصرترین شکل ممکن، هدف اصلی سیمونتا تثبیت توالی زیر، از سکه‌ها و ادوار سلطنت پس از مرگ مهرداد دوم در ۹۱ ق.م بوده است:

S29 ← S30 ← S34 ← S31 ← S33 ← S36 ← S35 ← S38 ← S39 ← S40.16

چهاردرهمی‌ها:

S32 ← S30 ← S34 ← S31 ← S36 ← S37 ← S38 ← S39

۲-۱. ادوار سلطنت

گودرز یکم (۹۰-۸۷ ق.م): S29 و S32؛ مهرداد سوم (۹۰-۷۹ ق.م): S30؛ ارد یکم (۷۹-۷۶ ق.م): S34؛ سنتروک (۷۹-۶۹ ق.م): S31؛ فرهاد سوم (۶۹-۶۵ ق.م، نخستین دوره سلطنت): S33؛ ارشک شانزدهم ونن یکم (۶۴-۶۰ ق.م): S36 و S37؛ ارشک هفدهم (حدود ۶۰ ق.م): S35؛

ارشک هجدهم (۶۰-۵۷ ق.م): S38؛ فرهاد سوم (۶۵-۵۷ ق.م، دومین دوره سلطنت، احتمالاً با فواصلی): S39 (Simonetta 2009: 147-149).

آثار معتقد است که همانند تحلیل‌های قبلی سیمونتا، بازسازی فوق نیز در بردارنده شواهد اشتباه یا تفسیر نادرست از شواهد است و قطعاتی از مواد مرتبط را نادیده می‌گیرد؛ برای مثال، سیمونتا چنین نتیجه‌گیری می‌کند: در زمان مرگ مهرداد دوم، یکی از پسرانش جانشین وی می‌شود؛ اما تقریباً بلافاصله از سوی دست‌کم یک مدعی به چالش کشیده می‌شود و جنگ تا بهار ۸۷ ق.م، بدون حصول نتیجه قطعی ادامه می‌یابد و دست‌کم یکی از عرصه‌های عملیات که توسط مهرداد = مهرداد (که شاید همان مهرداد/مهرداد نقش برجسته بیستون باشد) رهبری می‌شود، کمابیش در امتداد دجله و تقریباً بر سر راه شوش است (Simonetta, 2009: 172). سیمونتا سپس در زیرنویس شماره ۴۲ مقاله‌اش می‌افزاید: «از آنجاکه نقش برجسته دست‌کم حدود بیست سال قدیمی‌تر از عملیات مذکور در لوحه‌ها است، در زمینه تعیین هویت این شخص بدگمان هستم» (Ibid: 174). آثار پاسخ می‌دهد که بدگمانی سیمونتا بی‌اساس است؛ زیرا این یادبود نمی‌تواند بیست سال پیش از ۸۷ ق.م پدید آمده باشد، به این دلیل ساده که مهرداد دوم را با تیارا نشان می‌دهد (Colledge, 1977: 90) و باتوجه به اینکه می‌توان سکه‌های S28 مهرداد دوم که او را با تیراهایی با تزئینات گوناگون نشان می‌دهند را مربوط به ۹۵/۹۶-۹۳/۹۲ ق.م در نظر گرفت (Assar, 2009b: 212)، تاریخ مفروض سیمونتا برای نقر نقش برجسته مهرداد، یعنی حدود ۱۰۷ ق.م، پذیرفتنی نیست. مثال دیگر، شامل تاریخ‌گذاری‌هایی از دوره سلطنت ارد یکم (۸۰-۷۵ ق.م) می‌شود که سیمونتا آنها را قابل تأمل ارزیابی می‌کند (Simonetta, 2009: 173).

یک ناسازگاری چشمگیر در این بخش از سخنان سیمونتا، مربوط می‌شود به تعریف سکه‌های ترکیبی؛ یعنی سکه‌هایی که از جفت قالب‌های نامزدوج ضرب شده‌اند. دیدگاه‌های سیمونتا در این زمینه با شواهد سکه‌شناختی موجود تعارض دارد. او چنین می‌انگارد که سکه‌های ترکیبی محصول جفت‌شدن قالب‌های کهنه و نو هستند (Ibid: 158)، درحالی‌که می‌دانیم قالب‌های معاصر یا تقریباً معاصر، گهگاه، اما احتمالاً فقط به اشتباه جفت می‌شده‌اند (Assar, 2009b: 213) و چنین نیست که سکه‌های ترکیبی در همه موارد الزاماً محصول جفت‌شدن قالب‌های کهنه و نو باشند. چنان‌که اشاره شد،

سلوود و مارکهولم پیش‌تر توالی درهم‌ها و چهاردرهمی‌های عصر تاریک اشکانی را مشخص کرده‌اند و آثار نیز از همین نظم تبعیت کرده است (Ibid: 213-214):
درهم‌ها:

S41←S40←S39←S38←S35←S36←S30←S34←S31←S33←S29

چهاردرهمی‌ها:

S45←S44←S41←S39←S38←S37←S36←S30←S34←S31←S32

چنان‌که ملاحظه می‌شود، بخش‌های اولیه این سری‌ها با موارد استنتاجی سیمونتا مغایرت دارد. وی برای درهم‌ها و چهاردرهمی‌ها توالی‌های زیر را ارائه می‌کند:

درهم‌ها: S29←S30←S34←S31←S33

چهاردرهمی‌ها: S32←S30←S34←S31 (Simonetta 2009: 157).

سیمونتا در اثبات صحت توالی مرجح خویش از سکه‌ها، نظریه زیر را مطرح می‌کند:

۲-۲. توالی S34←S30

سیمونتا در ارتباط با علامت نظارتی رایج $\Sigma Y M$ بر چهاردرهمی‌های S30.10، S30.12 و S34.1 می‌گوید که این علامت را می‌توان به‌مثابه تأیید تاریخ‌گذاری اولیه سکه‌های نوع 30 فرض کرد؛ زیرا سکه‌های ایرانی بی‌تردید ثابت می‌کنند که S34 بلافاصله پیش از نوع 31 قرار دارد؛ پس نوع 30 باید پیش از نوع 34 باشد (Ibid: 166). متأسفانه سیمونتا ذیل عنوان «سکه‌های ایرانی» در مقاله‌اش، به‌جز کاربرد ساده‌ترین روش ممکن به‌منظور انتساب درهم‌های S29 و چهاردرهمی‌های S32 به یک فرمانروای واحد، هیچ توضیحی برای این توالی خاص ارائه نمی‌کند. مارکهولم پیش‌تر توالی S30←S34 را به‌واسطه علامت مشترک $\Sigma Y M$ و ترتیب تراشکاران تثبیت کرده بود (Assar, 2009b: 214). در ادامه خواهیم دید که این پیوند، مورد تأیید شواهد مسلم خود سیمونتا، یعنی درهم‌های تغییر یافته S34 که او معتقد است فقط سال‌شماری مرجح وی را اثبات می‌کنند، نیز هست.

۲-۳. توالی S31←S34

سیمونتا ضمن بحث درباره «ارتباط میان انواع 31 و 34» تیزبینانه عنوان می‌کند که تعداد زیادی از درهم‌های S34 همواره با حذف نماد «لنگر» و در اغلب موارد با حذف «تاج» و به‌ندرت (احتمالاً بنا به دشواری‌های تکنیکی) با حذف «نماد سلطنتی» تغییر یافته بودند. در واقع، سکه‌هایی که با قالب‌های تغییر یافته ضرب شده‌اند، رایج‌تر از سکه‌های ضرب‌شده با قالب‌های تغییر نیافته هستند. روی سکه‌هایی که قالب‌هایشان تغییر یافته‌اند،

بسیار شبیه به روی سکه‌های نوع 31 می‌شود. او همچنین به وجود یک سکه ترکیبی اشاره می‌کند؛ اما از درج مشخصات آن در فهرستی که متعاقباً از نمونه‌های این چینی در مقاله‌اش آورده است، غفلت می‌ورزد. چنین فرض می‌شود که این سکه از روی تغییر یافته S34 و پشت عادی S31 ضرب شده است (Simonetta, 2009: 154). سرانجام، سیمونتا به درهم‌های S31.7 (تصویر 14.e-f مقاله‌اش) با یک نماد سلطنتی، به جای ستاره متداول، بر تیارا اشاره می‌کند (Ibid: 155). در واقع، این موارد کلّ شواهدی هستند که سیمونتا برای تأیید توالی مدنظر خود ارائه می‌کند (ibid). به اعتقاد آثار، سیمونتا شرایط سیاسی در چند ماه آغازین سلطنت ارد یکم را نادیده می‌گیرد (ن.ک: ادامه مطلب). این امر تا اندازه‌ای نشان می‌دهد که چرا بخش عمده‌ای از درهم‌های S34 و قالب‌های مربوط دستخوش تغییر شده‌اند (Assar, 2009b: 215). خود سیمونتا ذیل عنوان «مسئله توالی تراشکاران» می‌گوید: «به‌ویژه مقدم‌دانستن S34 بر S31 یا برعکس، کاملاً علی‌السویه است؛ بنابراین، روی تغییر یافته نوع 34 و گذار تدریجی از 34 به 31 این فرض را تقویت می‌کند که 34 بلافاصله پیش از 31 قرار دارد» (2009: 182). چون درهم‌های تغییر یافته S34 را می‌توان به طرق گوناگون تفسیر کرد (Assar, 2009b: 215)، این فرض که آنها منحصرأ مؤید توالی S31←S34 باشند، نامتقن است. منابع بیشتر، شامل چندین باز ضرب، شواهد حاصل از مجموعه‌ها و توالی تراشکاران، مؤید توالی S31←S34←S30 هستند که پیش‌تر سلوود و مارک هولم مطرح کرده‌اند (ن.ک: ادامه مطلب).

سیمونتا سپس در بخش‌های مختلفی در سراسر ادامه مقاله‌اش، به تکرار نظریه خود ادامه می‌دهد؛ اما هیچ مدرک دیگری ارائه نمی‌کند؛ برای مثال، می‌بینیم که او ذیل عنوان «ارزیابی شواهد حاصل از درهم‌های ایرانی» اظهارات پیشین خود را تکرار می‌کند (Simonetta, 2009: 156). بار دیگر، ذیل عنوان «یک ارزیابی مبسوط»، چنین می‌خوانیم: «سپس نوبت به زوج 31-34 می‌رسد، و در اینجا بر زمین استوارتری حرکت می‌کنیم. سکه‌ها خودشان به ما می‌گویند که در پی نوع 31، نوع 34 می‌آید...» (Ibid: 185). این مطالب، به طرح ادعای دیگری ذیل عنوان «مسئله توالی تراشکاران» می‌انجامد که آن را بررسی خواهیم کرد و چنان‌که در ادامه خواهیم دید، آثار نیز از «توالی تراشکاران» بازنگری شده سیمونتا همراه با برخی سکه‌های باز ضرب شده و شواهد حاصل از مجموعه‌ها برای ردّ نظم پیشنهادی او، یعنی S31←S34←S30 استفاده کرده است.

۳. اسناد میخی بابلی

شایسته است پیش از ورود به این مبحث، درباره انواع اسناد میخی قابل‌استفاده در تاریخ‌نگاری اشکانی توضیح مختصری داده شود. ابراهام یوزف زکس (Abraham Joseph Sachs) در مقام پیش‌تاز عرصه مطالعات اسناد میخی بابلی، بازمانده از روزگار حاکمیت سلوکیان و اشکانیان در بابل، در ۱۹۴۸م. متون نجومی غیرزیجی بابلی (Babylonian Non-Tabular Astronomical Texts) را در قالب چهار گروه اصلی تقسیم‌بندی کرد (1948: 271-290):

۱. سالنامه‌ها (Almanacs) که تهیه آنها در طی تاریخ و در میان اقوام گوناگون سابقه داشته و دارد؛

۲. سالنامه‌های ستاره‌های متعارف (Normal-Star (N-S) Almanacs) که زیرمجموعه‌ای از مقوله نخست محسوب می‌شود؛ اما در اینجا مورد بحث نیست؛

۳. متون سالانه ((Goal-Year Texts (GYTs) که جمع‌بندی ثبت رصدهای سالانه محسوب می‌شود؛

۴. روزنامه‌های نجومی (Astronomical Diaries) که حاوی داده‌های حاصل از رصد مرتب ماه و سیارات منظومه شمسی هستند. قابل توضیح است که مفهوم «روز» نزد بابلیان، همانند یهودیان، معادل فاصله میان دو غروب متوالی خورشید بوده است و نه فاصله میان دو طلوع متوالی خورشید.

از میان این چهار مقوله، تعدادی از متون سالانه و نیز موارد متعددی از مجموعه روزنامه‌های نجومی، آگاهی‌هایی درباره رویدادهای دوره مورد بررسی ارائه می‌کنند. گروه اخیر، در سال‌های ۱۹۸۸، ۱۹۸۹ و ۱۹۹۶م. به تصحیح و اهتمام زکس و هونگر منتشر شدند (Sachs & Hunger, 1988; 1989 & 1996). با انتشار مجلد حاوی متون مربوط به رصدهای ماه و سیارات توسط هونگر در ۲۰۰۱م. (Hunger & Sachs, 2001)، آگاهی از مبانی ستاره‌شناسی بابلی بسیار افزایش یافت و به لطف اشارات تاریخی موجود در این متون، تعدادی از نکات مبهم سال‌شمارانه و تاریخی مربوط به سده‌های ششم تا یکم ق.م تبیین شد. مجلد ششم این مجموعه که به تصحیح و اهتمام هونگر و زکس منتشر شد (2006)، حاوی ۱۷۸ متن سالانه، اعم از تاریخ‌دار و بدون تاریخ (متونی که تاریخ‌گذاری آنها از دست‌رفته است)، از دوره ۷۶ تا ۲۵۶ سلوکی-بابلی (۲۳۵/۲۳۶-۵۵/۵۶ ق.م) است. فرهاد آثار، در دو نوبت، متون سالانه را پیش از انتشار آنها مطالعه کرد و توانست فهرستی از

دویست تاریخ‌گذاری متقن، شامل شانزده شناسه کامل یا تقریباً کامل را تهیه کند که در بازنمایی تاریخ دوره مزبور به کار می‌آیند (Assar, 2009a: 105-106). روند دیرپای تهیه الواح میخی نجومی، سرانجام در ۶ ق.م، یعنی در اواخر سلطنت فرهاد چهارم (حدود ۳۸-۳ ق.م) متوقف شد.

اشاره کردیم که شرایط سیاسی نیمه نخست اولین سال سلطنت ارد یکم می‌تواند کلید یافتن پاسخ برخی از پرسش‌ها باشد؛ از این قبیل که چرا اغلب درهم‌های S34 بازمانده از وی تغییر یافته هستند و اجزای خاصی از طرح روی این سکه‌ها، چه بر روی قالب‌ها و چه بر روی خود سکه‌ها (S34.5-8)، عمده‌اً محو شده‌اند؟ نظر غالب بر آن است که این کار برای شبیه‌سازی تصویر شاه S34 به تصویر شاه درهم‌های S31 انجام شده است.

اسناد میخی بازمانده از ۱۳ نیسانو (Nīsānu) ۲۳۲ سلوکی-بابلی (۱۱/۱۰ آوریل ۸۰ ق.م)، حاکمیت یک امیر اشکانی را به نام «ارد» در بابل تأیید می‌کنند. او از ۴/۳ ژانویه ۷۵ ق.م و احتمالاً تا ۲/۱ آوریل ۷۵ ق.م سلطنت کرد؛ اما حاکمیت ارد باید به‌طور بی‌وقفه با چالش روبه‌رو شده باشد؛ زیرا در اکثر متون بازمانده از روزگار سلطنت وی، نام شخصی او دیده می‌شود. این اسناد حکایت از آن دارند که ارد اندکی پس از جلوس در آوریل ۸۰ ق.م، توسط رقیبی سرنگون شده، اما چند ماه بعد دوباره تاج‌وتخت را به‌دست آورده است. تأییدی بر این نکته را می‌توان در سه سند از سال اول سلطنت ارد یافت؛ دو مورد از آنها تاحدی منقطع هستند و نخستین مورد از این اسناد، دیرترین زمان ممکن را برای آغاز سلطنت ارد، یعنی در آوریل ۸۰ ق.م ثبت کرده، درحالی‌که سند دوم مؤید حاکمیت وی در ۵/۴ اکتبر ۸۰ ق.م است؛ اما سومین متن که اشاره‌ای ناقص در یک روزنامه نجومی آسیب‌دیده است، حاکی از آن است که ارد حدود پنج ماه بعد، یعنی در یکم تشریتو (Tašrītu) ۲۳۲ سلوکی-بابلی (۲۲/۲۱ سپتامبر ۸۰ ق.م)، مجدداً در بابل مستقر شده است (Sachs & Hunger, 1996: 484-485). متن بازمانده، مربوط به ماه‌های اولولو (Ulūlu) و تشریتو سال ۲۳۲ سلوکی-بابلی است (Assar, 2009b: 216). حاکمیت ارد در ۱۴ تشریتو ۲۳۲ سلوکی-بابلی (۵/۴ اکتبر ۸۰ ق.م) در بابل برقرار بوده است؛ پس احتمال دارد وی در آغاز همان ماه نیز بر بابل مسلط بوده باشد. پس از نخستین ذکر نام ارد در ۱۳ نیسانو ۲۳۲ سلوکی-بابلی (۱۱/۱۰ آوریل ۸۰ ق.م)، تاریخ بدون ابهام در سطر دوازدهم متن فوق در آغاز ثبت داده‌های نجومی در ماه تشریتو برای دومین بار فرمانروایی ارد را به عنوان ارشک حاکم در بابل تأیید می‌کند. وضع مشابهی در آغاز سطر نخست، ماه باذکر

تاریخی که نشانگر تغییر سلطنت است، در دو سند قدیمی‌تر دیده می‌شود؛ یکی از آنها از عصر مقدونی و دیگری از دوره اشکانی است. براساس اشاره‌ای مختصر در یک تکه روزنامه نجومی، اسکندر سوم در ۲۹ ایارو (Ayyāru) در سال چهاردهم سلطنت خویش (۱۱ ژوئن ۳۲۳ ق.م) درگذشت (Sachs & Hunger, 1988: 206–207). یک لوحه نجومی دیگر مؤید آن است که ماه بعدی، یعنی سیمانو (Sīmānu) به سلطنت برادر ناتنی و جانشین اسکندر، فیلیپ سوم (اریدئوس) اختصاص یافته است (Hunger & Sachs 2001: 90).

درباره دومین سند می‌دانیم که نیروهای پارتی در ماه سیمانو ۱۷۱ سلوکی-بابلی ایالت بابل را درنوردیدند، به سلطه سلوکیان خاتمه دادند و بابل و سلوکیه، کران دجله را در ژوئیه ۱۴۱ ق.م تصرف کردند. سطر نخست ماه دوعوزو (Du'ūzu) در روزنامه نجومی مربوط چنین آغاز می‌شود: «... سال [۱۷۱، شاه ارشک]، و به این ترتیب، حاکمیت مهرداد یکم را بر بابل در پی برافتادن سیطره سلوکیان از بین‌النهرین تأیید می‌کند (Sachs & Hunger, 1996: 136–137). شاید ارد پس از رسیدن به سلطنت در آوریل ۸۰ ق.م، توسط رقیبی برکنار شده باشد؛ اما وی به نحو موفقیت‌آمیزی با رقیب خود جنگیده و تاج‌وتخت خویش را پس گرفته و در سپتامبر همان سال دگرباره بر بابل مستولی شده است. ذکر نام ارد در سطر تاریخ مندرج در آغاز ماه تشریتو ۲۳۲ سلوکی-بابلی، پس از نخستین ذکر نام وی در ۱۳ نیسانو ۲۳۲ سلوکی-بابلی، نیز از همین روست. با فرض آنکه ارد ضرب سکه‌های S34 آغاز سلطنت خود را در سلوکیه و همچنین ضراب‌خانه‌های ایران، اندکی پس از نخستین جلوس خویش آغاز کرده باشد، ممکن است که برخی درهم‌ها و قالب‌های او توسط رقیب وی در حین دوره انتقالی آوریل-سپتامبر ۸۰ ق.م تغییر یافته باشند. به این دلیل، آثار، درهم‌های S31.7 را به این فترت پسین منتسب کرده است (2006b: 75؛ تصویر 14e-f در مقاله سیمونتا). بر روی این سکه‌ها تصویری مشابه ارد یکم دیده می‌شود؛ باوجوداین، عبارت پشت سکه‌ها عیناً همان عبارت سکه‌های S31 مهرداد سوم (۸۷-۸۰ ق.م) است. کمیابی شدید این سکه خاص نیز با کوتاه‌بودن دوره ضرب آن سازگاری دارد (Assar, 2009b: 217).

اما موفقیت ارد در اوایل پاییز ۸۰ ق.م، این رقیب یا رقیب دیگری را از ادامه مبارزه بر سر تاج‌وتخت مأیوس نکرد. تاریخ‌گذاری‌ها و عبارات بیانگر زمان از دوره سلطنت ارد، مؤید آن هستند که او دائماً گرفتار بوده است؛ بنابراین غیرممکن نیست درحالی‌که ارد هنوز قدرت را در پارت در دست داشته است، رقیب فعالی به توقیف سکه‌های وی

پرداخته و تزئینات نامطلوب تیارا یا نماد لنگر را از درهم‌ها و قالب‌های S34 وی حذف کرده باشد. این کار می‌توانسته تا پس از سرنگونی ارد در اوایل ۷۵ق.م ادامه یافته باشد؛ به این ترتیب، اسناد معاصر آن روزگار ادعای دائمی سیمونتا مشعر بر آنکه قالب‌ها و درهم‌های S34 تنها پس از پایان سلطنت ارد تغییر یافته‌اند را چندان تأیید نمی‌کنند. چنان‌که در ادامه خواهیم دید، شواهد سکه‌شناختی نیز دلالت بر آن دارند که هم مهرداد سوم و هم ارشک شانزدهم (۷۷/۷۸- ۶۱/۶۲ ق.م) که به ترتیب، ضرب‌کنندگان سکه‌های S31 و S30 هستند، تغییراتی در قالب‌ها و درهم‌های S34 در سراسر مدت سلطنت ارد یکم و پس از آن اعمال کرده‌اند. این تحلیل با توالی S31←S34←S30 که سلوود و مارکهورم آن را به تفصیل بیان کرده‌اند، هماهنگی دارد (Assar, 2009b: 217-218). مؤید دیگری بر صحت توالی S31←S34←S30 از تعداد اندکی از بازضرب‌های برنزهای شوشی، شواهد حاصل از مجموعه‌ها و توالی قالب‌تراشان پارتی به دست می‌آید که در ادامه، درباره آنها بحث و بررسی خواهد شد.

۳. برنزهای سالانه شوشی

سیمونتا ضمن توصیف خالکوه‌های شوشی از عصر تاریک اشکانی ذیل عنوان «سکه‌های شوش»، یک زیرمجموعه برنزی S35 را که در جای دیگری ثبت نشده است، فهرست می‌کند. او سپس چنین فرض می‌کند که این سکه را شاه ضرب‌کننده سری‌های S36 به مدت کمتر از یک سال ضرب کرده است (Simonetta, 2009: 152؛ همچنین ن.ک: توضیحات جانبی سیمونتا در زیرنویس شماره ۳۳ مقاله‌اش)؛ اما نه تنها تعیین هویت انجام‌شده توسط سیمونتا به صورت یکسان‌نگاری ضرب‌کننده سکه‌های اولیه این نمونه‌ها با شاه سکه‌های S35 در ناسازگاری با رده‌های برج‌مانده بر خود بازضرب‌هاست (ن.ک: ادامه مطلب)، بلکه همچنین سال‌شماری خود او را هم نقض می‌کند. سیمونتا ذیل عنوان «ارزیابی مبسوط شواهد سکه‌شناختی» می‌پذیرد که «نوع 35 با توجه به مونوگرام‌های تاندازه‌ای تغییر یافته آن برای اکباتانا، باید دست‌کم بعد از نوع 36 و پیش از نوع 38 باشد. ضرب‌کننده آن، که سکه‌هایش نسبتاً کمیاب هستند، احتمالاً فقط برای مدت کوتاهی فعالیت داشته است» (2009: 164). بر این مبنا، سیمونتا خالکوه‌های شوشی (LR184-188) S36.23-37 را به دوره ۶۴-۶۰ ق.م مرتبط می‌داند و یک سکه S35 منفرد شوش را به حدود ۶۲ ق.م منسوب می‌کند. بررسی دیدگاه‌های بعدی سیمونتا درباره همین بازضرب‌های شوشی جالب است؛ او ذیل عنوان «بازضرب‌ها» می‌نویسد که سکه‌های اولیه این بازضرب‌ها باید به

فرمانروایی نسبت داده شوند که شوش را در حوالی ۶۲ق.م به صورت موقت در اختیار داشته است (Ibid: 161).
 آثار در جوابیه خود، برای ابطال دعاوی سیمونتا، خالکوهای S36 شوشی موجود را فهرست کرده است (2009b: 220):

جدول ۱. تعداد و وضعیت سکه‌های برنزی S36 شوشی				
شماره‌گذاری لوریده	تعداد سکه‌های یافت شده	بازضرب‌های قطعی	بازضرب‌های احتمالی	سکه‌های دست‌نخورده
184	۳	۲	-	۱
185	۳	۲	۱	-
186	۳	۳	-	-
167	۴	۲	-	۲
188	۱	-	۱	-
مجموع	۱۴	۹	۲	۳

هرچند جدول ۱ نشان می‌دهد که حدود ۲۰٪ از نمونه‌های به‌دست‌آمده در کاوش‌ها بازضرب نیستند، از جدول برمی‌آید که یک یا چند مورد از انواع قدیمی‌تر، به‌طور گسترده‌ای بازضرب بوده‌اند. با توجه به اینکه پنج سری LR184-188 متناظر با حداقل سه و حداکثر پنج سال فعالیت ضرب‌خانه هستند، این پرسش پدید می‌آید که چگونه اشغال زودگذر شوش توسط ضرب‌کننده سکه‌های S35 در حدود ۶۲ق.م (به تصور سیمونتا)، به تولید چنین تعداد زیادی از سکه‌ها انجامیده که از بین بردن آنها ۳-۵ سال از وقت فرمانروای S36 را گرفته است (Assar, 2009b: 220). متأسفانه فرضیه سیمونتا مشعر بر آنکه هیچ بازضرب S36/S30 و S36/S36 وجود ندارد، دچار اشتباهات متعددی در تفسیر و بازنمایی غلط شواهد است.

۴. مقایسه میان محتویات مجموعه‌های سکه‌ها

سیمونتا ذیل عنوان «مجموعه‌های سکه‌ها» به‌درستی عنوان می‌کند که «ارزیابی شواهد موجود در مجموعه‌ها عمدتاً دشوار است. اهمیت تاریخی مجموعه‌ها تا حد زیادی وابسته به امکان حصول اطمینان از ترکیب اولیه آنها از یک سو و شرایط دفن آنها از سوی دیگر است». وی سپس چنین نتیجه می‌گیرد: «شواهد حاصل از مجموعه‌های به‌دست‌آمده از بازار باید با رویکردی بسیار محافظه‌کارانه مورد استفاده قرار گیرند» (2009: 163). فقدان درهم‌های S34 و S35 در مجموعه‌های حاوی انواع سکه‌های متداول اشکانی از دوره تقریباً

۹۳-۵۷ق.م که به شکل غیرعلمی به دست آمده باشند، تبعات وخیمی ندارد. این وضع به آسانی توجیه پذیر است و بر توافق میان انواع باقی مانده با توالی سکه‌های عصر تاریک تأثیری نمی‌گذارد (Assar, 2009b: 224)؛ از این رو در ادامه، مجموعه‌های ماردین-۲ (Weiskopf, 1981: 246)؛ (Simonetta, 1966: 28-29; Thompson et al., 1973: 126-136) و سنیور-۱۹۹۶ (Senior, 1996: 7-8) را به منظور ارزیابی سال‌شماری پیشنهادی سیمونتا تحلیل و بررسی می‌کنیم. قابل ذکر است که آثار به این موارد، ترکیب یک مجموعه چهارم، یعنی ماردین-۱ (Simonetta, 1966: 29; Thompson et al., 1973: 254) را نیز که در زمینه تعیین ترتیب صحیح سکه‌های S28، S29، S30، S31 و S34 اندکی یاری می‌رساند، افزوده است؛ اما وضعیت بخش پایانی این مجموعه، یعنی وضعیت ضرب سکه‌های منفرد S36، S38 و S39 به باور سیمونتا، این سه مورد را پس از پنج سکه پیش‌گفته قرار می‌دهد. جدول ۲، محتویات چهار مجموعه مورد نظر را براساس توالی ادوار سلطنت طبق طرح آثار فهرست می‌کند (Assar, 2009b: 224). این طرح با الگوبرداری آثار از طرح سلوود-ماکهولم و با انجام اصلاحات جزئی حاصل شده است.

جدول ۲. ترتیب سکه‌ها در چهار مجموعه عصر تاریک اشکانی با استفاده از سال‌شماری آثار (به تبعیت از سلوود و مارکهولم)				
انواع سلوود	ماردین-۱	ماردین-۲	کوهدشت	سنیور-۱۹۹۶
پیش از S27	-	-	S10 (۱ سکه)	-
S27	۶	۱۱	-	«معدودی، فرسوده»
S28	۷	۱۴	-	«بسیاری، اغلب EF*»
S33	۹	۲۱	-	«بسیاری، اغلب EF»
S29	۳	۷	-	«معدودی، همگی EF»
S31	۹	۲۸	-	-
S34	۱ (نشان لنگر پاک شده)	-	-	-
S30	۱۴	-	۱۵۰+	-
S36	۱	-	۸۰+	-
S35	-	-	۲۰+	-
S38	۱	-	۸۰+	-
S39	۱	-	۲۰+	-
S40	-	-	۱۲۵+	-
S41	-	-	(مجموع انواع)	-

EF* (Extremely Fine): وضعیت سکه‌ای را توصیف می‌کند که فقط رگه‌هایی از فرسایش را بر بالاترین قسمت‌های طرح دارد، هر چند شاید چنین به نظر برسد که هرگز به گردش نیفتاده است.

با مراجعه به جدول ۲ میان ترتیب ادوار سلطنت در عصر تاریک، چنان‌که سلوود و مارکپولم استنتاج کرده‌اند، با انواع گوناگون در چهار مجموعه فهرست‌شده در بالا سازگاری می‌بینیم. همچنین متوجه ناهماهنگی مجموعه‌ای در هر چهار گروه می‌شویم. ضمن کنار هم قراردادن سکه‌ها، آنچه به دست می‌رسد، صرف‌نظر از هویت ضرب‌کننده‌ها یا سربنده‌های آنها کنار یکدیگر می‌چینیم؛ برای مثال، اغلب انواع موجود در مجموعه کوه‌دشت، فرمانروایان اشکانی را با دیهیم نشان می‌دهند؛ اما همچنین در همین مجموعه، افزون بر بیست عدد درهم S39 مربوط به دوره سلطنت فرهاد سوم وجود دارند که وی را با تیارای پدرش نشان می‌دهند که گوشه آن مزین به شاخ گاو و ردیفی از گوزن‌های لمیده بر گرداگرد تاج است (Ibid: 225). مجموعه‌های ماردین-۱، ماردین-۲ و سنیور-۱۹۹۶ نیز ویژگی‌های مشابهی دارند؛ همه آنها هم شامل انواع تیارا دار و هم شامل انواع دیهیم‌دار هستند.

در زمینه وضع نگهداری سکه‌ها و اهمیت آنها، آثار تنها درباره نمونه‌های موجود در مجموعه سنیور-۱۹۹۶ که خود در اختیار دارد، اظهارنظر می‌کند و می‌گوید که این نمونه‌ها تقریباً در وضعیت ضرب هستند. شرایط و تعداد سکه‌هایی که دارای یک یا هر دو قالب مشترک با یکدیگرند، بیانگر آن است که این مجموعه در مدت کوتاهی و پیش از آنکه سکه‌ها به دوردست‌ها و دور از ضراب‌خانه‌های خود سفر کنند، گرد آمده است. سیمونتا در زیرنویس شماره ۳۶ مقاله خود دشواری‌های سال‌شمارانه ناشی از فقدان درهم‌های S31 در سنیور-۱۹۹۶ را تأیید می‌کند (2009: 166)؛ اما متأسفانه او در عین حال مسئله وخیم‌تری را در استدلال‌های خود نادیده می‌گیرد: چنانچه در مطالعات خود از توالی مرجح شخص سیمونتا از سکه‌های این دوره به صورت S28←S29←S30←S34←S31←S33 تبعیت کنیم، ناگزیریم که فقدان درهم‌های رایج S30 را در همان مجموعه نیز توضیح دهیم؛ البته فقدان S34 را می‌توان به حساب کمیابی این سکه یا گلچین کردن گذاشت، لیکن فقدان کامل دو نوع رایج S30 و S31 را نمی‌توان بی‌اهمیت انگاشت یا آن را با توسل به ناکافی بودن آگاهی از شرایط یافتن و ترکیب اصلی مجموعه سنیور-۱۹۹۶ توجیه کرد. آثار در جدول ۳ به‌منظور آشکار ساختن ضعف‌های استنتاجات سیمونتا، محتویات همان چهار مجموعه را براساس جدیدترین دیدگاه‌های وی در زمینه سال‌شماری و توالی سکه‌های عصر تاریک اشکانی

فهرست کرده است (Assar, 2009b: 226). فواصل زمانی توجیه‌ناپذیر در ترتیب انواع، حاصل توالی نادرست پیشنهاد شده توسط سیمونتا برای S30, S31, S33 و S34 است.

جدول ۳. ترتیب سکه‌ها در چهار مجموعه «عصر تاریک» اشکانی بر اساس آخرین سال شماری سیمونتا				
انواع سلوود	ماردین-۱	ماردین-۲	کوه‌دشت	سنیور-۱۹۹۶
پیش از S27	-	-	S10 (۱ سکه)	-
S27	۶	۱۱	-	«معدودی، فرسوده»
S28	۷	۱۴	-	«بسیاری، اغلب EF»
S29	۳	۷	-	«معدودی، همگی EF»
S30	۱۴	فاصله ناموجه	۱۵۰+	فاصله ناموجه
S34	۱ (نشان لنگر پاک شده)	-	-	-
S31	۹	۲۸	فاصله ناموجه	فاصله ناموجه
S33	۹	۲۱	فاصله ناموجه	«بسیاری، اغلب EF»
S36	۱	-	۸۰+	-
S35	-	-	۲۰+	-
S38	۱	-	۸۰+	-
S39	۱	-	۲۰+	-
S40	-	-	۱۲۵+	-
S41	-	-	(مجموع انواع)	-

هنگام استفاده از جدیدترین سال‌شماری سیمونتا، ناهمخوانی‌های مشابهی میان توالی سکه‌ها و تراشکاران اشکانی عصر تاریک رخ می‌نمایند. آثار به‌منظور مشخص کردن این موارد بدون پرداختن به جزئیات مشکلات مرتبط، در برابر چهار تراشکار F, H, K و L، توالی پیشنهادی سیمونتا و توالی استنتاج‌شده سلوود را قرار داده است (Sellwood, 1976: 4). معلوم نیست چرا سیمونتا در مقاله خود به تراشکار F نمی‌پردازد؛ این صنعتگر در رگا (شهر ری) فعالیت می‌کرده و قالب‌های S30.18 را با یک سطر اضافی عبارت حاوی نام کامل ضراب‌خانه به‌صورت *ENPAΓAΙΣ* تراشیده است. با توجه به اینکه غیر از تراشکار E, F را نیز در حال آماده‌سازی قالب‌های پشت درهم‌های S30-S31، S34-S36 و S38-S39 داریم، قرارداد S33 بلافاصله پس از S31 مستلزم آن است که تراشکار F قالب‌های موردنیاز را برای این نوع رایج نیز تراشیده باشد؛ اما او این کار را نکرده است و جای خالی حاصل را نمی‌توان نادیده گرفت. درست است که صنعتگر L نیز برای درهم‌های S34 ارد یکم ثبت نشده است، اما این فاصله را می‌توان به‌جای عدم

فعالیت تراشکار، به کمیابی عمومی این سکه نسبت داد. باتوجه به اینکه S31 و S33 دو مورد از رایج‌ترین انواع سکه‌های عصر تاریک هستند، سیمونتا ناچار است فقدان حضور تراشکارهای F در S33، K در S31 و S33 و نیز L در S33 را توضیح دهد. تنظیم توالی سکه‌های عصر تاریک اشکانی براساس طرح سلوود (هرچند طرح پیشنهادی وی نیز دچار برخی گسست‌های ناموجه است) یا نظام ترکیبی سلوود-مارکهولم در جدول ۴ تضمین‌کننده استمرار فعالیت تراشکار بدون وجود هیچ‌گونه فاصله غیرضروری یا توجیه‌ناپذیر است (Assar, 2009b: 227).

جدول ۴. ترتیب سکه‌ها براساس توالی چهار تراشکار «عصر تاریک» اشکانی									
سیمونتا				نوع	سلوود / آثار				نوع
L	K	H	F		L	K	H	F	
-	-	-	-	29	-	-	-	-	33
+	+	+	+	30	-	-	-	-	29
-	-	+	+	34	+	-	+	+	31
+	-	+	+	31	-	-	+	+	34
-	-	?	-	33	+	+	+	+	30
+	+	-	+	36	+	+	-	+	36
+	+	-	+	35	+	+	-	+	35
+	-	-	+	38	+	-	-	+	38
+	-	-	+	39	+	-	-	+	39

۵. شواهد مکتوب و مستند

سیمونتا ذیل عنوان «شواهد مکتوب و مستند»، شاه ارشکِ پوست‌نوشته اورامان-۱ را همان مهرداد سوم، فرمانروای اشکانی مذکور در روایت یوسفوس (ن.ک: Josephus, 1943: 384-386) می‌انگارد و سکه‌های S30 را به وی منتسب می‌کند. او سپس می‌گوید که این امیر احتمالاً یکی از پسران مهرداد دوم بوده است؛ اما این تعیین هویت، به ناهمخوانی‌های توجیه‌ناپذیری در جای دیگر منتهی می‌شود. براساس سال‌شماری پیشنهادی سیمونتا، گودرز یکم (ضرب‌کننده S29 و S32) و مهرداد سوم (شاه سکه‌های S30) رقبای معاصر یکدیگر بوده‌اند. سیمونتا هیچ دلیلی برای پاسخ به این پرسش ارائه نمی‌دهد که چرا کاتب پوست‌نوشته اورامان-۱ که این سند را در اواخر پاییز ۸۸ ق.م تنظیم کرده است، القاب مهرداد سوم را بدانسان که بر سکه‌های S30 وی (به باور سیمونتا) درج شده‌اند، به

کارنبرده است، بلکه در عوض، یک رشته از عناوین احترام‌آمیز را که شباهت بسیار زیادی به القاب درهم‌های S29 گودرز یکم دارند، ذکر کرده است؟

سیمونتا سپس نتیجه می‌گیرد که ارشکی که در ماه دوعوزو ۲۲۵ سلوکی- بابلی (۱۴/۱۳ ژوییه-۱۱/۱۰ اوت ۸۷ ق.م.) در بابل بر تخت خود نشست (Sachs & Hunger, 1996: 69 & Assar 2006b: 458-459)، مهرداد سوم (به‌عنوان ضرب‌کننده سکه‌های S30) بود که دمتریوس سوم، فرمانروای اسیر سلوکی را در ۸۸-۸۷ ق.م. تحویل گرفت؛ این امر بسیار نامحتمل است؛ زیرا رویدادنامه‌های موجود آشوری و اسناد میخی از روزگاران هخامنشی، مقدونی و سلوکی، آشکار می‌سازند که عبارت «بر تخت خود نشست»، در پی مرگ فرمانروای قبلی ذکر می‌شده است. گذشته از هرچیز، سیمونتا می‌گوید که گودرز یکم اندکی پس از جلوس در دسامبر ۹۱ ق.م. از سوی مهرداد سوم با تنش مواجه شد. سیمونتا هم سکه‌های S30 و هم پوست‌نوشته اورامان-۱ را به این مدعی اشکانی نسبت می‌دهد. باتوجه‌به اینکه سند اخیر، شاه حاکم بر ماد در اواخر پاییز ۸۸ ق.م. را به‌عنوان «شاهنشاه ارشک» تأیید می‌کند، نامعقول است که همین امیر، پس از برانداختن رقیب خود، در ژوییه/اوت ۸۷ ق.م. برای دومین مرتبه و این بار با عنوان «شاه ارشک»، جلوس کرده باشد.

۶. نتیجه

چنان‌که در سراسر این مقاله با استدلال نشان داده شد، سیمونتا در آخرین دیدگاه‌های خود به چندین مؤلفه کلیدی سکه‌شناختی و سال‌شمارانه توجه نکرده و سال‌شماری پیشنهادی او در تضاد دائم با منابع اولیه و ثانویه موجود است و مرتباً با نتایج به‌دست‌آمده سلوود و مارکهلوم در تعارض قرار می‌گیرد. ایراد اصلی در این میان، مربوط به توالی‌های S30←S34 و S31←S34 در طرح پیشنهادی سیمونتاست که درباره آن به تفصیل سخن گفتیم. در مقابل، دیدیم که هرچند طرح پیشنهادی سلوود و مارکهلوم نیز دچار نواقصی عمدتاً جزئی است، با منابع بازمانده از عصر تاریک اشکانی کمترین تباین را دارد. باتوجه به سطح آگاهی فعلی ما از مقولات موردبحث سیمونتا، نتیجه‌گیری‌های وی باید با احتیاط تلقی شوند و کسانی که می‌خواهند از آنها در مطالعات آینده استفاده کنند، لازم است از اعتبار آنها اطمینان یابند.

منابع

- Assar, Gholam Reza Farhad, "Recent Studies in Parthian History. Part I", *The Celator* 14(12), 6-22, 2000.
- , "Recent Studies in Parthian History: Part II", *The Celator, Journal of Ancient and Medieval Coinage* 15(1), 17-27 and 41, 2001a.
- , "Recent Studies in Parthian History: Part III", *The Celator, Journal of Ancient and Medieval Coinage* 15(2), 17-22, 2001b.
- , "Genealogy and Coinage of the Early Parthian Rulers. I", *Parthica. Incontri di Culture nel Mondo Antico* 6, 69-93, 2005.
- , "Genealogy and Coinage of the Early Parthian Rulers. II. A Revised Stemma", *Parthica. Incontri di Culture nel Mondo Antico* 7, 29-63, 2005.
- , "A Revised Parthian Chronology of the Period 165–91 BC", *Electrum* 11, 87–158, 2006a.
- , "A Revised Parthian Chronology of the Period 91–55 BC", *Parthica. incontri di culture nel mondo antico* 8, 55–104, 2006b.
- , "Some Important Seleucid and Parthian Dates in the Babylonian Goal-Year Texts", *Electrum* 15, 105-116, 2009a.
- , "Some Remarks on the Chronology and Coinage of the Parthian "Dark Age"", *Electrum* 15, 195-234, 2009b.
- Colledge, Malcolm Andrew Richard, *Parthian Art*, London, 1977.
- Hunger, Hermann & Abraham Joseph Sachs, *Astronomical Diaries and Related Texts from Babylonia, vol. 5, Lunar and Planetary Texts*, Wien, 2001.
- , *Astronomical Diaries and Related Texts from Babylonia*, vol. VI, Goal Year Texts, Vienna, 2006.
- Josephus, *Jewish Antiquities, Books XII-XIII*, translated by Ralph Marcus, The Loeb Classical Library, vol. 7, Harvard University Press, Cambridge (MA) and London, 1943.
- Le Rider, Georges Charles, *Suse sous les Séleucides et les Parthes. Les trouvailles monétaires et l'histoire de la ville*, Paris, 1965.
- Mørkholm, Otto, "The Parthian Coinage of Seleucia on the Tigris, c. 90–55 B.C.", *The Numismatic Chronicle*, 33–47, 1980.
- Sachs, Abraham Joseph, "A Classification of the Babylonian Astronomical Tablets of the Seleucid Period", *Journal of Cuneiform Studies* 2, 271-290, 1948.
- & Hermann Hunger, *Astronomical Diaries and Related Texts from Babylonia, vol. 1, Diaries from 652 B.C. to 262 B.C.*, Wien, 1988.
- , *Astronomical Diaries and Related Texts from Babylonia, Vol. 2, Diaries from 261 B.C. to 165 B.C.*, Wien, 1989.
- , *Astronomical Diaries and Related Texts from Babylonia, vol. 3: Diaries from 164 B.C. to 61 B.C.*, Wien, 1996.
- Sellwood, David Grenville John, "The Drachms of the Parthian Dark Age", *Journal of the Royal Asiatic Society*, 2–25, 1976.
- Sellwood, David Grenville John, *An Introduction to the Coinage of Parthia*, 2nd ed., London, 1980.
- Senior, Robert C., "Parthian Die Engravers", *Journal of the Oriental Numismatic Society* 149, 7–8, 1996.

Simonetta, Alberto M., "Notes on the Parthian and Indo-Parthian Issues of the First Century B.C.", *Actes du congrès international du numismatique, Paris 6-11 juillet 1953, vol. 2*, Paris, 111-121, 1953-1957.

———, "Some Remarks on the Arsacid Coinage of the Period 90-57 B.C.", *The Numismatic Chronicle*, 15-40, 1966.

Simonetta, Alberto M., "A Proposed Revision of the Attributions of the Parthian Coins Struck during the So-called 'Dark Age' and Its Historical Significance", *East & West* 52 (1-2), 69-108, 2001.

———, "The Coinage of the So-called Parthian 'Dark Age' Revisited", *Eelctrum* 15, 141-188, 2009.

Thompson, Margaret; Otto Mørkholm; Collin Mackennal Kraay, *An Inventory of Greek Coin Hoards*, New York, 1973.

Weiskopf, Michael, "The Kuh Dasht Hoard and the Parthian 'Dark Age'", *American Numismatic Society Museum Notes* 26, 125-152, 1981.